

## بررسی تطبیقی تراحم تحصیل علم و رسالت مادری در کمال انسانی زن با رویکرد اخلاق کاربردی

مریم رستگار\*  
رضا نوری\*\*  
علی پیرهادی\*\*\*

### چکیده

جایگاه زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان و نقش آنان در زندگی اجتماعی، امری مؤثر و تعیین کننده است و بررسی و مطالعه این امر، با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های وجودی آنان، امری ضروری است. رسالت مادری و تربیت فرزند از قابلیت‌های ویژه زن، از کمالات اختصاصی و تکلیفی الهی بر دوش اوست که توجه وافیه به آن، نیازمند اختصاص فرصت کافی است. از سویی، به‌رغم تعدد راه‌های وصول به کمال حقیقی، هر انسانی، آگاهانه یا ناخودآگاه در پی کسب کمال است. در این زمینه تحصیل علم، از مقدمات برجسته وصول به کمال و تعالی است که در شرایط روز جهان، نیازمند وقت و زمان است. در نتیجه، تراحم میان انجام رسالت تام مادری و کسب علم و تخصص برای تعالی و رشد همه‌جانبه زن بروز می‌کند که از چالش‌های اخلاق کاربردی در عصر حاضر به شمار می‌آید. بدین جهت، پژوهش پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا با تبیین جایگاه مادری و کسب دانش در نظام وحیانی اسلام، با رویکرد اخلاق کاربردی، به تحلیل راهکارهای رفع تراحم، متناسب با اولویت‌های امروزی می‌پردازد که ره‌آورد آن، در دو سطح مقدماتی-مبنایی و کاربردی-عملی شامل چند راهکار همبسته خواهد بود که در سطح اول، تصحیح نگرش متناسب با واقعیات فطری و جهان‌بینی الهی، شناخت استعدادها و علائق فردی، کلان‌نگری متناسب با نیازها، و در سطح دوم، آینده‌نگری در انتخاب (زمان و نوع تحصیل)، نظم، برنامه‌ریزی و مدیریت (امکانات و زمان)، اولویت‌بندی (اهم و مهم) و... عامل رفع تراحم است و وصول به آن، منوط به رعایت اصول رفع تراحم خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** زن، تراحم اخلاقی، اخلاق مادری، چالش‌های اخلاقی، اخلاق کاربردی، فرزندآوری، تربیت.

\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم. (rastgar147@gmail.com)

\*\* استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.

\*\*\* دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۴.

## مقدمه

گسترش ارتباطات و تعامل اندیشه‌ها، متناسب با اقتضائات روز، به طور طبیعی مایه بروز ناهنجاری‌ها و مشکلات در فرهنگ‌ها و مناسبات اجتماعی می‌شود که نتیجه آن، تشویش و تحیر در برنامه‌ها و تکالیف فردی-اجتماعی است و بی‌تردید آثار نامطلوبی در سعادت، و آرامش مادی و معنوی به همراه دارد. روش معقول و منطقی مواجهه با این مشکلات، بررسی منصفانه، متناسب با جهان‌بینی و هنجارهای بومی، به دور از احساسات و جوزدگی است. از جمله مسائلی که تحت تأثیر نگاه خاص جامعه غرب به زن و با برجسته‌سازی جنسیت او، به ناهنجاری در جوامع انجامیده است، نگاه فردگرایانه‌ای است که لازمه آن، گریز زن از انجام برخی رسالت‌های بی‌بدیل و اختصاصی او از جمله فرزندآوری و رسالت مادری در تربیت فرزند است. اما در نظام تکلیف‌گرا و غایت‌مدار اسلام، افراد، در قبال خود و دیگران، مسئولند. از جمله مسائل بسیار مهم، نقش مهارتی و ظرفیت‌های فطری وجودی مادر است که غفلت از آن، تبعات بسیاری در پی دارد. از نقش تعیین‌کننده مادر است که جامعه‌ای خیرخواه و متکامل می‌شود؛ از این رو، گرمی داشت مقام مادران، مایه ورود به بهشت می‌شود (نوری، ۱۴۰۸: ۱۸۰/۱۵). وظیفه مادری از قبل بارداری تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد. او در کنار پدر، مسئول پرورش جسمی، عقلی، عاطفی و اخلاقی فرزند است و با پاسخ‌گویی درست و بجا به نیازهای کودک، اساس و پایه تربیت او را شکل می‌دهد.

از سوی دیگر، نیاز جامعه به حضور فعال و کارآمد زنان متعهد، به عنوان نیمی از اعضای جامعه، و نیاز فطری زن به کسب کمال در ابعاد مختلف، بر کسی پوشیده نیست. دانش و معرفت، با ابعاد مختلف آن، مقدمه ناگزیر در رسیدن به کمال است. از خطابات فراگیر و فارغ از جنسیت قرآن و روایات، در بیان فضیلت علم و اهل آن، که حقیقت انسانی را مخاطب قرار داده، و روایاتی که وجوب علم‌آموزی را نه مختص به جنس خاص، بلکه

شامل زن و مرد دانسته است،<sup>۱</sup> و به‌ویژه، حضور زنان اندیشمند مسلمان و اثرگذاری ایشان بر جامعه در طول تاریخ و به‌ویژه در سیره معصومان،<sup>۲</sup> همگی گواه بر اهتمام ویژه اسلام بر علم‌آموزی است.

در مواجهه با مسأله نوع نگاه به حضور زن در جامعه، دو نگاه چالش‌برانگیز قابل‌ردیابی است؛ برخی با شعار «وَقَوْنٌ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب/۳۳)؛ «و در خانه‌های خود بمانید»، زن را محصور در خانه، محدود به خانه‌داری و محروم از جامعه و حتی کسب علم می‌کنند؛ و برخی، با افکار فمینیستی، با تعریف زنانگی زن بر اساس فردیت او (حاجی‌اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۴) و با برجسته‌سازی و قرار دادن جنسیت او در ویتترین، بدون قید و شرط و ملاحظات مصلحتی، زن را در جامعه رها می‌کنند. این گروه، نه تنها خانه‌داری را نقشی فاقد مهارت خاص و متضمن معانی بسیار ناگواری مانند بی‌کفایتی، عقب‌ماندگی و وبال‌گردن بودن می‌دانند (کریستن‌سن، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۰)، حتی مادری که مدت‌ها در حکم قلب خانواده سالم بود (همان: ۱۳۰) را - به اعتراف اندیشمندی فمینیست<sup>۳</sup> - بحران زنان معاصر می‌دانند (دمارنف، ۱۳۸۸: ۱۷۹)؛ و در تفکر پیشرفت‌زمانه، آن را به غلط، عقب‌گرد یا نوعی محدودیت خودخواسته توانایی‌ها تعبیر می‌کنند (همان: ۱۷). این تفکر تا بدان‌جا پیش رفت

۱. «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛ جستن علم بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجب است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۵۷).
۲. نمونه بارز و بهترین نمود آن، عظمت تحول جایگاه علمی زنان و شمار زنان فرهنگی عصر جاهلیت در مقایسه با حجم عظیم آن پس از ظهور اسلام است (جوادی‌علی، ۱۹۷۰: ۵۲۸/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۲۸۵: ۴۳۴/۵)؛ و یا جایگاه علمی و فرهنگی بانوان نمونه اسلام؛ از بالاترین شخصیت‌ها، حضرت زهرا علیها السلام، زینب کبری علیها السلام، سکینه خاتون و فاطمه، دختران امام حسین علیهم السلام، حمیده مادر امام کاظم علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام و دیگر دختران امام کاظم علیه السلام و...، تا خادمان این بزرگواران، فضه و... نیز نمونه‌های بسیاری از دیگر بانوان دانشمند مسلمان همچون همسر شهید اول، دختر صدرالمآلهین شیرازی و بانو مجتهدة امین علاوه بر برخورداری از علم و دانش، در برگزاری جلسات تعلیم و تربیت، همواره مورد تأیید معصومین علیهم السلام و مرجعی مهم در پاسخ‌گویی به مسائل علمی و دینی بوده‌اند.
۳. دکترای روان‌شناسی بالینی و دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد و برکلی کالیفرنیا، متفکر فمینیستی که در کتاب «غریزه مادری» از منظری جدید، طرفداران فمینیستی را به چالش کشید.

که افرادی در جامعه غرب در خانه‌هایشان، آماده بودند برای رهایی زنان از ظرفیت تناسلی (فریدمن، ۱۳۸۱: ۱۱۱)، اجازه دهند که زیر تیغ جراحی عمل «برداشت مادر»<sup>۱</sup> قرار گیرند (کریستن‌سن، ۱۳۸۷: ۱۳۱). از این رو، از نیازهای مبرم دنیای امروز، ضرورت بازنشاسی حقوق زن و اخلاق عملی کسب کمال، با ارائه تصویری صحیح از الگوی زن کامل مسلمان است تا به تبیین حقوق و نحوه مشارکت وی در عرصه جامعه، متناسب با مقتضیات زمان، همراه با حفظ جایگاه شایسته او، پرداخته شود که بدان توجه جدی و صحیح نشده است و علی‌رغم آثار وزین و متعدد، از جمله مجموعه کتب «اندیشه راهبردی زن و خانواده»، مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی<sup>۲</sup> و مقالات مرتبط، ارتقا به جایگاه‌های علمی و تخصصی زنان و تحلیل نقش مادری از فاطمه سفیدی و دیگران، «آسیب‌شناسی تعارض نقش مادری با سایر نقش‌های اجتماعی وی» از مریم شادی و دیگر مقالات چون «اسلام و اشتغال زنان» از مسعود آذربایجانی، «تعالی علمی بانوان» از رقیه‌سادات مؤمن، و مقالات گسترده به روش میدانی، به طور خاص، پژوهشی درباره این مسأله، با رویکرد اخلاق کاربردی، مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین با توجه به مسأله این پژوهش؛ بررسی رفع تزاخم میان تحصیل علم و انجام رسالت مادری در راستای کمال انسانی زن، بایسته است که با رویکرد اخلاق کاربردی و تحلیل آن، نسخه رفتاری متناسب ارائه شود و با توجه به نگاه همه‌جانبه و واقع‌بینانه اسلام به انسان و از جمله زن، کمالات و مسئولیت‌های او، فرضیه رابطه معنادار و اولویت‌مدار بین راه‌های رسیدن به کمال در زن را دست‌یافتنی کند که از رهگذر شناخت و آگاهی اسلامی درباره همه ابعاد شخصیتی زن و نقطه مطلوب کمال حقیقی او می‌گذرد. این نوشتار با معرفی اصول بنیادین برگرفته از مبانی فطری، عقلی، و حیانی و نقلی، به ارائه

#### 1. Mother-ectomy.

۲. از سمیه حاج‌اسماعیلی (۱۳۹۳)، مجموعه مصاحبه‌های صاحب‌نظران مباحث زن و خانواده به عنوان پیش‌مصاحبه همایش مادری و زن تراز انقلاب اسلامی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

راهکار مناسب در رفع برخی تعارضات احتمالی بین مسئولیت‌های مادرانه و کمال کسب علم، با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد اخلاق کاربردی<sup>۱</sup> می‌پردازد.

## ۱. رسالت مادری

مادری امری آشکار و در عین حال نهان است که به‌سادگی با چیزهای دیگر اشتباه گرفته می‌شود (دمارنف، ۱۳۸۸: ۱۷۹). میل به مادری تنها اشتیاق به داشتن فرزند نیست، بلکه اشتیاق به مراقبت از آنان است و این غیر از وظیفه مادری از سر اجبار و یا مادری به علت نداشتن کاری غیر از آن است؛ غریزه شوق و تمنای مادر برای پرورش فرزند و داشتن رابطه متقابل با آن (همان: ۱۷) که مؤلفه‌های آن در سه بعد پذیرش، محافظت (تأمین نیازهای زیستی، محافظت از خطر، و مراقبت‌های پیشگیرانه) و پرورش (پرورش جسمی، پرورش عاطفی و روحی، توجه به موانع رشد و جهت‌دهی مذهبی) قرار می‌گیرد (سراقی، ۱۳۹۴: ۲۹). در اندیشه اسلامی، خداوند حکیم، با قرین ساختن خلقت و زوجیت،<sup>۲</sup> محبت را در زوجیت و زوجیت را پایه خانواده نهاد تا مایه سکونت و آرامش شود<sup>۳</sup> و در این عرصه، با توجه به روحیه لطیف و جایگاه ویژه زن، او را کانون و محور آرامش خانواده معرفی کرد.<sup>۴</sup>

۱. اخلاق کاربردی از دانش‌های نوظهور و به معنای کاربست مبانی و معیارهای ارزش‌دواری اخلاقی در مسأله یا حوزه خاصی از مسائل اختیاری انسان است. از دغدغه‌های این رشته، حل نزاع‌های اخلاقی به‌ویژه در مسائل نوپدید است (شریفی، ۱۳۹۶: ۶۴).

۲. «و مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات/۴۹).

۳. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)؛ «او از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

۴. بر اساس آیه «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم/۲۱)؛ «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید». در این منطق قرآنی، با توجه به ضمیر «ها» در «الیها» در عبارت «لتسكنوا اليها»، زن، محور و کانون آرامش قرار گرفته است. همچنان‌که در سوره مبارک اعراف، آیه ۱۸۹ می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبُّهُمَا لِيُنزِلَ إِلَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ».

در این اندیشه، احتیاج متقابل زن و مرد، موجب قوام و پایداری خانواده است و تلاش برای استحکام خانواده بر پایه محبت و صمیمیت، توفیق و پاداشی است که خداوند به مجاهدان و مهاجران راه خود عطا می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۸/۵). هدف از تشکیل خانواده، نه فقط تولید نسل و داشتن اولاد، بلکه رسالت برتر تربیت و پرورش فرزند است؛ فرزندان که زنجیره پیوند دنیا و آخرت و پیامد اعمالشان، گریبان‌گیر والدین می‌شود؛ آمیزه‌ای از امانت و هدیه که تربیت از جمله حقوق فرزند، و ثواب و عقاب والدین، وابسته به نحوه تربیت اوست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۸۹).

نکته قابل تأمل، اهتمام به فرزند به عنوان اولین مسأله پس از خلقت انسان و زوجیت است.<sup>۱</sup> در بینش توحیدی، فرزند و تولید نسل، نه امری مزاحم، بلکه به معنای تضمین سعادت اخروی و دنیوی است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶). به ویژه که ولد صالح، ثمره‌ای بهشتی<sup>۲</sup> و مورد افتخار پیامبر اکرم ﷺ در قیامت است.<sup>۳</sup> بر همین اساس، با نهی از ازدواج با زنان نازا،<sup>۴</sup> ولود بودن از معیارهای همسر خوب معرفی شده است.<sup>۵</sup> قرآن کریم از الگوی کاربردی انبیاء و اولیای الهی، از منس، دعاها، نجوا و آرزوی

۱. قرآن کریم به مسأله تولید نسل و دغدغه و آرزوی آدم و حوا در صالح بودن فرزند حتی پیش از تولد آن، اشاره می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلٌ خَفِيًّا فَهَمَزَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبِّهَمَا لِيُنْزِلَ لِيِنَّ صَالِحًا لِيُكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف/۱۸۹)؛ «او خدایی است که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را از (نوع) او قرار داد تا بدان آرام گیرد. پس چون با او بیامیخت، باری سبک برگرفت (و باردار شد) و (ملتی) با آن سر کرد، چون زن سنگین شد، آن دو (زن و شوهر) از پروردگارشان، درخواست کردند که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود».
۲. «إن الولد الصالح ريحانة من ریحین الجنة؛ فرزند شایسته و خوب، گلی از گل‌های بهشت است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶).
۳. «أكثرُوا الولد أكثر بكم الأمم غدا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶).
۴. «باب كراهية تزويج العاقر... قال: جاء رجل إلى رسول الله ﷺ فقال يا نبي الله إن لي ابنة عم قد رضيت جمالها و حسنها و دينها و لكنها عاقر فقال لا تزوجها» (همان)؛ «تزوجوا بکرا ولودا و لا تزوجوا حسناء جميلة عاقرا فإني أباهی بكم الأمم يوم القيامة» (همان).
۵. «إن خير نسائكم الولود الودود» (همان).

فرزنددار شدن آن‌ها خبر می‌دهد (آل عمران/۳۸ و مریم/۵). روایات نیز با تعلیم دعا و آداب پیگیر<sup>۱</sup> و ملتزمانه فرزنددار شدن به افراد آرزومند فرزند،<sup>۲</sup> توصیه می‌کنند:

«اطلبوا الولد و التمسوه فإنه قرّة العین و ریحانة القلب و إياکم و العجز و العقر؛ فرزند بطلبید که روشنی چشم و طراوت بخش دل است؛ پس از زنان سالخورده و نازا بپرهیزید!» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۴).

در این اندیشه، با تأسی به ربوبیت فراگیر الهی، توجه و اهمیت به تربیت و رشد فرزند، به شکلی همه‌جانبه، مسئولیت و لطف الهی بر والدین است؛ و از حق حیات<sup>۳</sup> و حقوق مالی<sup>۴</sup> تا حقوق روحی و روانی (مانند مهرورزی، شخصیت‌بخشی، تکریم، و...) و حقوق دینی (آموزش قرآن، حدیث، احکام و فقه)، و توجه به نکات تربیتی را شامل می‌شود که محدود به زمان کودکی نیست، بلکه تا بزرگسالی فرزند ادامه دارد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در لحظات واپسین عمر خود بدان اهتمام داشتند.<sup>۵</sup> در این بینش، فرزند امانتی از سوی خداست

۱. «...قال استغفرالله في كل يوم أو في كل ليلة مائة مرة فإن الله يقول استغفروا ربکم إنه کانک غفارا إلی قوله: و یمدکم بأموال و بنین» (همان: ۸).

۲. به همین دلیل، نه فقط در قرآن، بلکه از معصومین علیهم السلام دعاها و آداب بسیاری در طلب فرزند و مداومت بر آن توصیه شده است؛ از جمله: «و عن علی بن الحسین علیه السلام أنه قال لیغض أصحابه قل فی طلب الولد رب لا تدزنی فوداً و أنت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیاً یبزی بی فی حیاتی و یستغفر لی بعد وفاتی و...» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۴).

۳. ارتزاق و پرورش فرزند: «و لا تقتلوا اولادکم خشية إفساق نحر نزرقتهم و إیاکم إن قتلهم کان خطئاً کبیراً» (اسراء/۳۱)؛ «و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است؛ و سلامت جسمانی: «و الولادات یزویعن اولادهن حوالتین کاملین لمن أراد أن یتیم الرضاعة و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره/۲۳۳)؛ «و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند؛ و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است».

۴. مانند نفقه و ارث: رک: نساء/۱۲ و ۱۲۷.

۵. امام علی علیه السلام در واپسین سال‌های عمر خود، طی نامه‌ای به امام حسن علیه السلام با توصیه‌های تربیتی می‌فرماید: «و أن ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تاویله و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه؛ آموزش تو را با شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن آغاز کردم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

که والدین در قبال آن مسئولند؛ نیز زینت<sup>۱</sup> و آزمونی است<sup>۲</sup> که با آن مورد امتحان قرار می‌گیرند: «هشدار که فرزند، گاه مایه گمراهی و هلاکت والدین می‌شود!»<sup>۳</sup> تربیت فرزند ارزشمندتر و مقدم بر وجود اوست، از این رو، با اغتنام فرصت، اهتمام اصلی با تربیت فرزند است. با تربیت صحیح، فرزند با اوصاف مذکور، به بهترین صدقه در راه خدا، ثمره‌ای بهشتی و باقیات الصالحاتی بی‌بدیل مبدل می‌شود؛<sup>۴</sup> صدقه جاریه‌ای که پس از مرگ والدین، آثار او به آنان می‌رسد:

«لَا يَنْبَغُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا لِلَّهِ فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّةٌ هُدًى سَنَّهَا فَهِيَ يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ وُلْدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۶/۷).

در واقع، آنچه از تشریح، در قالب آداب و توصیه‌ها در باب فرزند، معاشرت و توصیه‌های تربیتی در دست است، توجه به اثر تربیتی آن در شخصیت اوست که دقت و ظرافت حکیمانه، آن را تدبیر فرمود. در این تدبیر، توجه ویژه به نقش بی‌بدیل مادر در رشد، تربیت

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (کهف/۶۶)؛ «مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است».
۲. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال/۲۸)؛ «و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش و پاداش عظیم نزد خداست»؛ «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن/۱۵)؛ «اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند و خداست که پاداش عظیم نزد اوست».
۳. «وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُزْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا \* فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا» (کهف/۸۰-۸۱)؛ «و اما آن نوجوان، پدر و مادرش باایمان بودند و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! \* از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاک‌تر و بامحبت‌تر به آن دو دهد».
۴. نمونه آن داستان حضرت عیسی علیه السلام است که از قبری عبور می‌کند که صاحب قبر در حال عذاب است؛ اما سال بعد وقتی از کنار همان قبر عبور کرد، او را فارغ از عذاب دید. علت را پرسید و و خبر آمد که او فرزند صالحی دارد که او از آثار و برکات چنین فرزندی بهره‌مند شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَرَّ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ ﷺ بِقَبْرِ يَعْذِبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَا يَعْذِبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ يُعَذَّبُ وَ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقًا وَ أَوَى بَيْتِيماً فَلِهَذَا غَفَوْتُ لَهُ بِمَا فَعَلَ ابْنُهُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِيزَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ يُعْبَدُهُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ آيَةَ زَكَرِيَّا ﷺ رَبِّ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا. يَرِيئِي وَ بَرِّتْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۶).



و پرورش کودک، مسأله‌ای است که به جهت ویژگی‌های تکوینی مادر، استعداد و ظرفیت خاص و بی‌نظیر او، همواره مورد توجه قرار گرفته است؛ مسأله‌ای مهم و مغفول که به آسانی می‌توان آن را در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده کرد؛ بر اساس روایات، مادر نیز مسئول رسیدگی همه‌جانبه فرزندان است؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ مرد، سرپرست خانواده و در برابر ایشان، مسئول است؛ و زن، سرپرست خانه شوهر و فرزندان است و درباره آنان، مسئول است» (ابن‌ابی‌فراس، ۱۴۱۰: ۶/۱؛ و دیلمی، ۱۴۱۲: ۱۸۴).

کمال عدالت و لطف الهی، مادر را لایق دو رسالت عمده کارکرد بیولوژیکی و طبیعی مادر شدن<sup>۱</sup> و کارکرد فرهنگی و اجتماعی مادری کردن،<sup>۲</sup> مه‌راه اصلی تربیت، محور پایداری، پویایی و سلامت خانواده‌ای قرار داد که اساس و پایه بی‌نظیر جامعه است. در این نگاه، اثرگذارترین فرد در زندگی فرزند، مادر است؛ و در نتیجه، وظیفه اخلاقی تربیت فرزند در اولویت اول در کنار پدر، بر عهده مادر است؛ و اهمیت انتخاب مادر شایسته، به عنوان اولین حق از سه حق فرزند، به جهت تأثیر و نقش مستقیم بی‌واسطه مادر،<sup>۳</sup> بر تربیت و شخصیت فرزند است؛<sup>۴</sup> تأکید آیات و روایات بر حق مادر (احقاف/۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۰/۲) و احکامی از قبیل استحباب شیردهی به فرزند، تقدم مادر در حق حضانت فرزند پسر در دو سال اول و دختر در هفت سال اول عمر (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵/۶)، و روایات مربوط به نقش مؤثر شیر مادر در تربیت کودک و تأکید بر دقت به این‌که فرزند، شیر چه کسی را بخورد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴/۶)، بر اهمیت نقش مادر در این عرصه دلالت دارند؛ به‌ویژه که رشد و تکامل فرزند، در کنار

۱. تولید نسل.

۲. پرورش نسل‌ها.

۳. در کنار نقش باواسطه پدر با انتخاب همسر خوب.

۴. «و تجب للولد علی والده ثلاث خصال اختیاره لوالدته و تحسین اسمه و المبالغة فی تأدیه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵).

ویژگی‌های ظاهری، زیبایی، زشتی و...، متأثر از شیر و خصوصیات روحی و روانی، فکری و شخصیتی مادر بر فرزند است و شخصیت او را می‌سازد. دقت قرآن کریم در تعیین مدت شیردهی (بقره/۲۳۳)، خود، بیانگر نیازهای نوزاد به مادر در این دوران و اهمیت و نقش مؤثر آن در رشد همه‌جانبه فرزند است. بنابراین با توجه به پدیده دل‌بستگی و نیاز خاص کودک به مادر، در سال‌های اول و دوم زندگی، به تمام مادران توصیه می‌شود تا حد امکان، در نخستین سال زندگی کودک، بین خود و کودک فاصله‌ای نیندازند و با عنایت به سفارش‌های اسلامی و احساس وظیفه دینی، خود، شیردهی نوزادان را به عهده گیرند.

از دیگر مبانی روان‌شناختی مؤثر در مورد فرزند، نوع نگرش مادر<sup>۱</sup> به جهان و انسان است. حسن فاعلی و نگرش مثبت مادر به فرزند به عنوان هدیه و امانت الهی و در نتیجه، ارج نهادن به فرزند و تربیت انسان صالح، مسلماً به ارتباط عاشقانه توأم با احترام منجر خواهد شد؛ در مقابل نگرش منفی که در آن، فرزند، امری مزاحم و فرزندآوری، تنها انتخابی شخصی تلقی می‌شود. بنابراین لازم است مادران با بازنگری در بینش و اصلاح افکار و در نتیجه،<sup>۲</sup> اصلاح سبک زندگی، در پی تعامل مطلوب و مؤثر با فرزندان باشند؛ تعاملی که شروع آن از زمان قبل از بارداری در تقویت و آمادگی جسمی و روحی مادر جهت پرورش کودک در آینده است تا زمانی که نام مادر بر مادر می‌درخشد. بر همین اساس، فرایند پیچیده تعامل با فرزند شامل این امور است:

۱. هر گونه تعامل؛ ارادی و آگاهانه یا غیرارادی و ناگاهانه مادر با فرزند؛
۲. هر نوع ارتباط معنوی و مادی از تغذیه روحی تا جسمی؛

۱. اهمیت نگرش به حدی است که به عنوان راه‌حل پایه، مورد توجه است و چه بسا افرادی که با تغییر نگرش، زندگی خود را متحول کرده‌اند (کلر، ۱۳۹۰)؛ و به جهت قدرت نگرش در زندگی است که اندیشمندان و به‌ویژه روان‌شناسان نیز به آن توجه ویژه داشته و دارند؛ به‌ویژه در روان‌شناسی اخیر که با رویکرد مثبت‌انگاری، به استعدادهای انسان و توانایی‌های او عنایت دارند.

۲. تعالی بینش در ارتباط با وظایف پرورشی زن، مسأله مهمی است که به نظر علامه جوادی آملی از وظایف زن به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

۳. رفتارهای تأثیرگذار بر آینده فرزند.

از دیگر نیازهای کودک، نیازهای عاطفی اوست. خانواده موفق و منسجم با فرزندان سالم، خانواده‌ای است که هر کس به‌ویژه مادر، به این توجه و علم داشته باشد که در خانواده نقشی دارد و اگر حضور نداشته باشد، یک جای کار لنگ می‌ماند (مک‌گراو، ۱۳۸۸: ۷۸). مادر باید بداند مهم‌ترین راه تربیت کودک، زندگی با فرزند و وقت گذاشتن برای اوست؛ و در کنار آموزش کلامی، آموزش رفتاری فرزند بسیار مهم است<sup>۱</sup> تا با کنش و واکنش‌های مناسب، فرزند از تعادل روانی، اخلاقی و هماهنگی بیشتر شخصیتی برخوردار شود، به خصوص، مسأله مهم اثرپذیری و گیرندگی از مادر. غفلت از بروز و ظهور آثار وجودی مادری در فرزند، بسیار زیان‌بار و به نظر اندیشمندان فاجعه‌ای بزرگ است تا جایی که تبلیغات در غرب پیگیر احیای نقش مادران است (شمسی پاشا، ۱۳۹۱: ۲۹). این نگرش، با ارج‌گذاری به مقام مادر، او را به تکاپو و امی دارد تا با مادری عالمانه، دست به کار شود. اولین قدم در این مسیر، طهارت مادر در حفظ مصالح نفس، نسل، دین، عقل و... است تا به نحو شایسته، امانت‌دار الهی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۵۰/۲). توفیق درک محضر قرآن و معصومین علیهم‌السلام، رشد عقلانیت به همراه مبارزه با نفس و مهار تمایلات نفسانی، بهره‌مندی از تجربیات و عبرت‌آموزی از دیگران، کسب فیض از مکتب بزرگان و توفیق یافتگان، استفاده از علوم و فنون روز، آشنایی با فنون خانه‌داری و مسائل مربوط به آن، آشنایی با اصول روان‌شناسی و رفتاری، تکنیک‌های تربیتی و رفتاری، آشنایی با روش ایجاد تفکر در فرزند و حتی همسر، فراهم‌سازی شرایط توفیق از جمله توفیق درک اساتید و... به منظور ارتقای سطح دانش و مهارت در بهبود، زیبا و امن‌سازی فضا و کیفیت خانواده، و در نتیجه، ایجاد فضای مهر و صمیمیت در آن، از جمله اقداماتی است که یک مادر، عالمانه و با آگاهی از مسئولیت و ظرفیت خطیر، بدان توجه خواهد داشت.<sup>۲</sup> به‌ویژه استخراج اصول رسالت

۱. «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۷/۲).

۲. به‌ویژه که اندیشمندان نیز یادگیری علوم مورد نیاز را امری ضروری دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۷۶).

مادری از مبانی عقلی، شرعی و عرفی، و توجه به آنها لازم است تا در تعاملات با فرزند، همواره مدنظر قرار گیرند.<sup>۱</sup>

مسأله‌ای که در این جا مورد نظر است، کسب کمال مادران به واسطه فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال است که به جدایی کودکان و مادران می‌انجامد و وضعیت نامطلوب زندگی و آسیب‌های جبران‌ناپذیری، خاصه در دوران نوزادی به روحیه فرزند وارد می‌سازد. هر ساعت اشتغال مادر، یک ساعت محرومیت فرزند از نعمت مادر است، به‌ویژه اگر خستگی و تندخویی ناشی از آن نیز به محیط خانواده سرایت کند؛ در نتیجه، حضور ناکافی مادر، عوارض عاطفی، اخلاقی و رفتاری‌ای بر روی کودکان باقی بگذارد و چه بسا غفلت از این مهم با تصمیم‌گیری‌های فارغ از تدبیر و سپردن مسئولیت‌هایی چون نگهداری فرزند به مرد، موجب ایجاد بحران در خانه و خانواده شود. این مسأله، یکی از مباحث مهم مطرح در تراحم‌های اخلاقی است که ذهن اندیشمندان این عرصه را به خود مشغول داشته است.

## ۲. کمال علم

تمایل به دانستن، از نیازهای اساسی انسان و بخشی از هویت اوست که عدم توجه به آن، به بروز اختلالات روحی-روانی می‌انجامد، به نحوی که روان‌درمانگران، ناکامی این بخش از نیازهای عقلانی انسان را عاملی در بروز آثار واقعی آسیب‌های روانی دانسته‌اند (مذلو، بی‌تا: ۷۰-۷۵). در همه جوامع، کسب علم و تحصیلات، تعیین‌کننده جایگاه فرد در جامعه است و می‌تواند با نقش مثبت و سازنده در زندگی، فرد را از انجام یا بروز رفتارهای نامناسب بازدارد (جدیری، ۱۳۹۳: ۴۰). در جهان‌بینی اسلامی، کسب علم، در میان ابعاد مختلف کمال، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به نحوی که خانه‌داری و همسر‌داری، جایگزین امور مهمی چون جهاد، معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۸)؛ اما این جهان‌بینی هیچ‌گاه رقیبی برای جایگاه علم‌آموزی مطرح نکرده و حتی مداد علما افضل از خون شهیدان دانسته است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶:

۱. نظر به مطالب فوق، شاید یک نگاه قدسی به مادر متبادر شود که ناظر به نگاه حداکثری به انجام وظایف مادری است؛ اما با نگاه حداقلی به وظایف مادر نیز تعارض و چالش بین رسالت‌ها در این عصر، واضح است.

۱۶۸-۱۶۹) تا با تصویر نقش قلم<sup>۱</sup> در رشد و تعالی، بفهماند که اصل و اساس تبلیغ، دعوت مردم به علم، نوشته‌های برهانی و مواعظ حکیمانه است، نه شمشیر و جهاد و قدرت. با این بیان، علت اهتمام ویژه اسلام به علم (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲/۱) و عالمان به عنوان لایقان خشوع الهی (فاطر/۲۸) و به رخ کشیدن عالمان بر همگان (زمر/۹) روشن می‌شود که چرا امیرالمؤمنین علیه السلام کمال دین‌داری را در دانایی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰/۱) و رسول خدا صلی الله علیه و آله کسب علم را بر زن و مرد مسلمان واجب می‌دانند (ابن فهدحلی، ۱۴۰۷: ۷۲؛ و کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۰۷/۲). چنان‌که علامه جوادی آملی نیز با استناد به روایات، ارزش هر انسانی را به هنر علمی او و جنة اللقاء را بهره علمی مؤمن (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۶) و الگوی فاطمی را دلیلی بر امکان ارتقای زنان به مقام علمی و عملی می‌دانند (همو، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

به خصوص نظر به اقتضای زمانه،<sup>۲</sup> که ضرورت کسب علم را مضاعف می‌کند؛ مادر به منظور تدبیر بهتر شئون منزل،<sup>۳</sup> رسالت مادری، هدایت نیکوی فرزند و ایمن‌سازی خانواده در برابر ناهنجاری‌های فرهنگی و تربیتی، نیازمند آگاهی وسیع و اطلاعات ارزشمند است تا با تجهیز به بال علم و اندیشه، و فراگیری الزامات مادری، بتواند پاسخ‌گوی نیازهای فکری و تربیتی فرزند، هماهنگ با پیشرفت زمانه باشد. پیشرفت فناوری، در دسترس بودن، سرعت انتشار و قالب جذاب این افکار و...، رویارویی با هجوم افکار منحرف در ابعاد، اشکال و شاخه‌های مختلف، بصیرت و مهارت کامل مادر را می‌طلبد (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۱) تا با شناخت ناهنجاری‌ها و انحرافات، در دفاع از دین توان پاسخ‌گویی به شبهات را داشته باشد. این امر، نیازمند آموزش و تعلیم راهکارهای تربیتی عملی، در مواجهه با سیل تهاجم فرهنگی است؛ مضاف بر دیگر آگاهی‌ها از قبیل

۱. کنایه از منطق، برهان و حجت.

۲. امروزه به دلیل شرایط متفاوت خانه به دلیل وجود تلویزیون، اینترنت و ماهواره و در نتیجه، پایین آمدن امنیت در خانه و خانواده، مسأله مادری بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر شده است و دیگر به راحتی گذشته نیست؛ و مادر باید پیش از گذشته، مهارت‌ها و آموزش‌هایی را فراگیرد (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۴۴).

۳. برای مثال: شناخت‌های در باب تغذیه (گازرپور، ۱۳۸۰: ۸۲۲/۲).

دین‌شناسی، روان‌شناسی، فناوری روز، شناخت افکار مختلف، شناخت کلی از جوامع، ملل و اندیشه‌ها و...، جهت بهبود کیفی تربیت موفق فرزند و مواجهه با اطرافیان. ناظر به همین امر مهم، سیره نبوی است که نه تنها خود، معارف آموخته از جانب خدا را بر همسرانشان عرضه می‌کند، بلکه دیگر مردان را نیز به اتخاذ چنین روشی امر می‌فرماید (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۱/۲)؛ و از جمله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «فراگیر و به خانواده‌ات نیز بیاموز!» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۴/۱۰۰). روایات بسیاری از ایشان در انتخاب همسر و مادر فرزندان، بر توجه به تعقل و سلامت ذهنی زنان تأکید دارند و ازدواج با زنان نادان (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۳/۵) و استرضاع<sup>۱</sup> از ایشان (همان: ۴۳/۶) را بر حذر می‌دارند. ایشان علی‌رغم توصیه به تعلیم فرزندان اعم از دختر و پسر،<sup>۲</sup> در کلامی مجزا بر آموزش دختران تأکید می‌فرماید<sup>۳</sup> که می‌توان این عنایت را به جهت کارکرد ارتقای علم و معرفت در شکوفایی عقل (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲۶) و با توجه به ظرفیت ویژه تولید نسل و نقش تربیتی انکارناپذیر زنان و در نتیجه تحول فرهنگی و تربیتی جامعه دانست و ریشه این تأکید، تفکری است که در آن، بهترین آموختنی برای فرزند، چیزی است که در بزرگسالی بدان نیازمند می‌شود (همو، ۱۳۹۲: ۷۷). به عبارت دقیق، در اندیشه اسلامی، خانه و خانواده، محمل تولید و ارتقای علم است؛ و فرهیختگی زن، اهلیت و شایستگی او، سهم بسزایی در حیثیت خانواده و جامعه دارد (۱۳۸۴: ۳۱۵). بنابراین با توجه به ارزش ویژه علم و اهمیت آن در میان سایر کمالات، شایسته است که به طور مجزا به لزوم کسب علم و ضرورت آن برای مادران، از چند جهت پرداخته شود:

۱. درخواست برای شیر دادن فرزند به عنوان مادر یا دایه.
۲. «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ» (متقی هندی، ۱۴۱۰: ح ۴۵۹۵۳).
۳. «هر کس دختری دارد، اگر او را ادب آموزد و تربیت او را نیکو سازد و بهره او را از علم و دانش بسی نیکوتر قرار دهد، ... خداوند آن دختر را در آخرت، مانعی از آتش برای آن پدر و مادر قرار خواهد داد و آنان از عذاب الهی در امان خواهند بود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۰۷/۱)؛ و «من کانت له ابنة یعلمها فأحسن تعلیمها و أدبها فأحسن تأدیبها و أعتقها و تزوجها فله أجران» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۵۳/۵).

۱. تأکید ویژه اسلام بر علم آموزی و کسب علم؛
  ۲. نیاز فطری و عرفی زن: به ویژه اقتضای عرف جامعه امروز می طلبد که مادر، برای کسب علم و معرفت، با ورود در جامعه، شرکت در کلاس، اختصاص اوقاتی برای آن و رعایت قوانین آموزشی و پژوهشی، بدان اقدام کند؛
  ۳. رسالت مادری: ضرورت کسب علم، برای انجام نیکوی رسالت مادری و تربیت فرزند به دلیل پیچیدگی تربیت به ویژه در عصر حاضر؛
  ۴. رسالت تبلیغ دین: ضرورت نیاز جامعه برای تحصیل بانوان در دین شناسی و استفاده از زنان تحصیل کرده برای ارتقای سطح علمی بانوان مسلمان، دفاع از دین و تبلیغ آن در سطح جامعه و بین الملل؛
  ۵. رسالت اجتماعی: ضرورت تحصیل بانوان برای نیازهای اجتماعی صنف زنان از قبیل پزشکی، بهداشت، روان شناسی، حقوق، مشاوره، طراحی و دوخت لباس و ... .  
بنابراین تکامل زن، با وظایف و تکالیفی همراه خواهد بود:  
- مسئولیت پذیری در تحقق ارزش ها و الگوی مؤثر شکوفایی استعدادها، تعالی بشر، ارتقای افکار و باورها؛  
- حضور عالمانه و مؤثر در نظام توحیدی و ولایی با شکل دهی عواطف مثبت؛  
- خروج از انزوا و حضور انفعالی با حضور فعال و اثرگذار؛  
- اهتمام در تربیت نسل متعهد، متخلق، انقلابی و کارآمد؛  
- نقش آفرینی اندیشمندانه در تحقق سبک زندگی اسلامی.
- با تأمل و دقت در سطوح گذشته، در اندیشه اسلامی، کمال زن، مرتبط با انسانیت و فطرت او و در راستای نظام احسن خلقت است؛ نظامی بر اساس تدبیر، غایت نگر، حکیمانه، مصلحت اندیش و در جهت سعادت فرد و جامعه. بنابراین آنچه با تحقق ارزش های اصیل و تعالی بشر در تعارض باشد، نه تنها کمال نیست، بلکه سرابی است که انسان را از مسیر کمال دورتر می کند، علامه جوادی آملی با اشاره به فرمایش امام علی علیه السلام: «رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷)، علوم فاقد نفع را حجاب و رهن طاعت و

نتیجه بی عقلی عالمانش معرفی می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۹). بنابراین در این دیدگاه ارزشی، کمال زن، همسو با تکوین و به همراه حفظ شخصیت انسانی، محجوبیت و متناسب با توان و روحیات اوست؛ و با منع هر نوع سوءاستفاده ابزاری از زن، راه تعالی بر او باز گذاشته شده است، تا با اختیار خود، در آن گام بردارد.

البته با توجه به پیشرفت علم و فناوری روز، راه کسب برخی کمالات، در منزل و بدون ورود به جامعه و با استفاده از فضای مجازی، نرم افزار و رسانه‌ها، به نحو عالی و مناسب، باز است و قصور زنان در کسب علم و مهارت، پذیرفتنی نیست. هرچند این میزان و سطح از فراگیری، پاسخ‌گوی نیازهای متعدد، متفاوت و کلان، به‌ویژه در رفع نیازهای اختصاصی زنان نیست و از ورود زن به عرصه علمی در جامعه، به‌ویژه در مشاغل و کمالات مختص زنانه، گریزی نیست (همو، ۱۳۸۲: ۱۴۹/۲).

### ۳. تبیین محل تراحم

همان‌گونه که ملاحظه شد، انجام رسالت مادری و مراعات حقوق فرزند به نحو شایسته، مستلزم توجه وافی و اختصاص وقت کافی است، به‌ویژه که کیفیت تربیت، نیازمند آرامش خاطر و آسودگی تن و در گرو اختصاص فرصت ویژه است، به گونه‌ای که از جمله مباحث چالش‌انگیز روان‌شناسی، با دو نگاه مثبت و منفی اشتغال زن، بر تربیت و شخصیت فرزند است.<sup>۱</sup> بنابراین اختصاص فرصت در حد ادای حق مطلب، به طور طبیعی، به معنای عدم فرصت کافی در دیگر مسائل است؛ و به طور تقریبی، به معنای تخصیص تمام وقت مادر و مستلزم حضور دائمی، نظارت و تغذیه عاطفی فرزند و در نتیجه، تحقق رسالت اوست و در صورت عدم تنافی اشتغال به دیگر مسائل با انجام این رسالت، فرض تراحم، سالبه به انتفاء موضوع است و فرض مسأله، با توجه به شرایط روز به منظور کسب علم و حضور در

۱. البته نگاه یک‌جانبه‌گرایانه به هر یک از دو نگاه نیز به چالش کشیده شده است؛ به اعتقاد روان‌شناسان، مهم حس مسئولیت و اهتمام مادر به وظایف و رعایت اعتدال و قواعد مربوط به آن است که البته با رعایت اصولی، اشتغال مادر به نحو مطلوب و اصولی، آثار مثبتی نیز بر فرزند خواهد گذاشت (بی‌ریا، ۱۳۷۴: ۸۶۲).



کلاس درس، کسب رتبه، مدرک، سوابق و... است که مقدمات رشد در مراحل بعدی است و همچنین نیازمند حضور زن در برخی دوره‌های عملی و کارگاهی متناسب با رشته‌ها و مشاغل، جایگاه‌های اجتماعی و شرط علم، تخصص و سوابق در آن جایگاه‌ها است و با وجود استعداد و علاقه شخصی در تحصیل برخی علوم به طور قطع، با انجام شایسته رسالت مادری، در تزامم است که ترجیح یک طرف، اغلب برای افراد پایبند و متعهد به باورهای دینی، مشکل و نیازمند معرفی راهکار است.

#### ۴. حل تزامم مسئولیت مادرانه و کسب کمال علمی

از مهم‌ترین مباحث بحث‌انگیز فلسفه اخلاق، تزاممات یا چندراهه‌های مسئولیت‌های اخلاقی برخاسته از حس تعهد است که از دغدغه‌های فکری، به‌ویژه اخلاق کاربردی و مورد توجه اندیشمندان علم اخلاق است که نمونه‌های آن در آثار افلاطون و دیگر اندیشمندان و از جمله روان‌شناسان جامعه‌شناس به وفور یافت می‌شود و تزامم مورد بحث این نوشتار است و روزیکا پارکر، روان‌درمانگر انگلیسی، از آن به حالت دودلی یاد می‌کند که «به صورت بالقوه در مسیر پیشرفت امر مادری، خلاقیت آفرین است!» (دمارنف، ۱۳۸۹: ۹۶). این در صورتی است که عدم آگاهی کامل از وضعیت پیش آمده و جوانب آن و حتی عواقب کار، نیز ناتوانی در ارزش‌گذاری، اولویت‌بندی<sup>۱</sup> و در نهایت، داوری و انتخاب، باعث قرار گرفتن فرد در موقعیتی می‌شود که نتواند با اطمینان خاطر و با رضایت‌مندی و بدون ارتکاب خلاف اخلاق، به وظیفه خود عمل کند؛ و در قدم اول، تأکید بر این نکته لازم است که شناخت و درک حقیقت تزامم، تصمیم‌گیری و در نتیجه مدیریت کارآمد، در گرو نگرش صحیح به هستی و توجه به مبانی انسان‌شناسانه است.<sup>۲</sup> آگاهی همه‌جانبه از ابعاد

۱. از جمله رئوس مباحث ارزشی، وجود اولویت‌ها در بین گزاره‌های اخلاقی است که آگاهی از آن می‌تواند تعارض موجود بین خانه و اجتماع را حل کند (علاسوند، ۱۳۸۰: ۸۲/۱).

۲. اهمیت مباحث انسان‌شناختی در حل مسائل، در درجه‌ای از اولویت است که توجه به دیدگاه اسلام در این دست از مباحث، از اهم امور به شمار رفته است؛ چراکه هر گونه شناخته شود، بر همان اساس، رفتارها، اقدامات و برنامه‌های تربیتی شکل می‌گیرد (حکمت‌آرا، ۱۳۸۰: ۷۳۲/۲).

وجودی انسان، امکانات و فعالیت‌های درونی و با توجه به هدف آفرینش و در نتیجه، شناخت کمال حقیقی و سعادت انسانی و راه وصول به آن، با بهره‌گیری از عقل و نقل<sup>۱</sup> است که نمونه بی‌بدیل آن در تدابیر برگرفته از مبانی انسان‌شناختی الهی است (بخشی و نقی‌پورفر، ۱۳۹۴: ۲۸). شناسایی موقعیت اصیل و اهداف واقعی، اهمیتی اساسی دارد و با شفاف‌سازی آن، زن در یک نظام متعالی و با هدف توسعه اخلاق و معنویت سنجیده می‌شود و راه عبودیت او نیز از مسیر مقدس مادری می‌گذرد؛ مسیری که در متن خود، تعهدات و ابزارهایی می‌طلبد و علم و دانایی از جمله آن و از حقوق چنین زنی است که در این نظام معرفتی، با تزئین به علم و اخلاق پسندیده، با اصلاح نوع نگرش و تشخیص ارزش‌ها از غیرارزش‌ها، و اصول از فروع، به قله‌های رفیع کمال شایسته و بایسته رشد برسد (علاسوند، ۱۳۸۰: ۱/۵۱-۵۲)؛ و تحت حاکمیت عقل، با شاکله خیر و تبلور ارزش‌ها، به گونه‌ای فعال، به دفع و رفع نزاحمات پردازد و با شناسایی امور غیرلازم مزاحم از امور لازم و حقیقی، از هزینه فرصت‌ها، موقعیت‌ها و داشته‌ها در امور غیرحقیقی ناپایدار و فانی، با نیل به کنشی متعالی، دستخوش تحولات ناروا و خسران نشود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۹۹). شناخت آرمان‌ها اهمیتی ویژه دارد چون کاستی در آن، به تشدید عدم اعتماد به نفس منجر می‌شود، به‌ویژه در مورد مادران که با نگاه منفی، مادری کردن، ملال‌آور قلمداد می‌شود (دمارنرف، ۱۳۸۹: ۹۷). به همین جهت، لازم است با درکی درست از هویت اصیل انسانی و با رویکردی اعتقادی، عقلانی و اخلاقی، پس از مشورت و بررسی همه‌جانبه، در نهایت با توکل و اعتماد به خدا، به تصمیمی درست و انتخاب قاطعانه بهترین گزینه برسد: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (آل‌عمران/۱۵۹). در این مسیر همچون دیگر مسیرها، توکل به عنوان عاملی فراتر از عقل و علم در هدایت ذهن و دل انسان، موجب می‌شود تصمیم‌گیرنده از آثار مثبت آن، قدرت، قاطعیت، شجاعت،

۱. «إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ مُحِجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ بَاطِنَةٌ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأئِمَّةُ وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ به راستی خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت عیان و حجت نهران. حجت عیان، رسولان، پیغمبران و امامانند و حجت درونی و نهران، عقل است» (کلینی، ۱۶/۱۴۰۷: ۱).

همت عالی، ترک گناه، نفی سلطه شیطانی و... از همه مهم تر، امداد الهی بهره مند شود: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق/۳). مادر با توکل، در شرایط بحرانی، می تواند با آرامش و مصون از احساس ضعف، سستی، ناامیدی و خودباختگی، مصون از هوای نفس و تملق ها، با آگاهی، بصیرت و روحیه تواضع و اخلاص، با محبت و دلسوزی و با هدف تعالی خود و خانواده، تصمیم بگیرد (بخشی و نقی پورفر، ۱۳۹۴: ۳۳).

بنابراین در این قدم، «شناخت»، مسأله ای «مبنایی» و از حیث رتبه، «مقدم» است؛ عاملی پیشگیرانه در ایجاد تراحم که با رفع تحیر و تشتت در تصمیم سازی، بر وضوح مسیر می افزاید؛ بنابراین آنچه از تعریف کمال برای زن، متأثر از اندیشه های فمینیستی، استعماری و دنیاگرای غربی و به قیمت دست کشیدن از اصول و عمل به خلاف فطرت و طبیعت انسانی است که با ارزش زدایی رسالت مادری و نگاه بحرانی به مادری، به اشتغال مادران به عنوان پدیده نوین تاریخ بشر می انجامد، خارج از بحث تراحم خواهد بود؛ اما آنچه مورد بحث تراحم است، مرتبط با قدم دوم و نیازمند چند مقدمه است تا با تصمیم گیری معقول و متقن صورت پذیرد:

۱. **موقعیت شناسی:** بر اساس موقعیت شناسی، بهتر می توان به استقصای کامل راه های محتمل، گزینش مطلوب ترین راه و شناخت وضعیت مطلوب پرداخت و وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب مبدل کرد.

۲. **آشنایی با اصول و مبانی ارزش گذاری و قیاس بین تکالیف اخلاقی:** در هر تصمیم گیری معقول و متقن، لازم است فرد با اصول و مبانی ارزش گذاری و قیاس بین تکالیف اخلاقی، آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند بر اساس آن اصول، به ارزش گذاری، داوری و در نهایت اولویت بندی پردازد.

۳. **آشنایی با وظایف و مسئولیت ها:** به منظور شناسایی موارد مطلوب از غیرمطلوب، اصلی از غیراصلی، و واقعی از وهمی، لازم است فرد، به درک درستی از وظایف و مسئولیت های خود برسد و بر اساس آن تصمیم بگیرد.

۴. **شناخت توانایی ها، استعدادها و امکانات موجود:** از دیگر نکات مهم و کلیدی در

هر تصمیم، توجه به توانایی‌ها، استعدادها و امکانات موجود است تا بر اساس آن، خود را به تکلیف مالایطاق دچار نکند<sup>۱</sup> و همواره توجه کند که سطح انتظارات از خود و اطرافیان، متناسب با امکانات و شرایط موجود باشد.

**۵. شناخت تزاحم و بازشناسی تزاحم واقعی:** گاه بین دو گزینه پیش رو، به جهت وجود اولویت و تفاضل یکی از دو مورد، از اساس، وجود تزاحم متفی است، اما شخص همچنان به دلیل شناخت نادرست، خود را در تزاحم می‌بیند. اهمیت اولویت‌بندی، به حدی است که برخی اندیشمندان غیراسلامی نیز اصل «تشخیص اولویت‌ها و عنایت به آن» را مهم‌ترین بخش تصمیم‌گیری و اقدام می‌دانند؛<sup>۲</sup> به‌ویژه در مورد مادر که به دلیل عدم شناخت، درک درست و بازشناسی تزاحم واقعی اصلی غیرقابل حل از وهمی و ظاهری، خود را دچار تزاحمی می‌بیند که در واقع تزاحم نیست؛ بنابراین قبل از هر چیز لازم است با استخراج دلایل موجه، بر لزوم انجام هر دو مورد پیش رو و عدم دلیل بر تفاضل و برتری یکی بر دیگری، به مشکل تزاحم رسید.

**۶. آشنایی با اصول و مبانی حل تزاحم:** بر اساس آگاهی و شناخت اصول و مبانی حل تزاحم، مادر در شرایطی قرار می‌گیرد که خود را در وضعیت‌های متزاحم نمی‌بیند و انتخاب او مردد به چند گزینه نمی‌شود؛ و همواره به گونه‌ای عمل می‌کند که خود را در خور سرزنش و احساس ندامت و گناه نبیند. به نظر می‌رسد، این میزان از آگاهی، در دوران قبل از مادر شدن و حتی در دوران مادری، از طرق مختلف دست‌یافتنی است. بنابراین لازم است مادر بر اساس رسالت دینی، با الزام به دو مسئولیت «رسالت مادری و علم‌آموزی»، در حل تزاحم این دو رسالت، با عقل حساب‌گر و دوراندیش، با بررسی واقع‌نگرانه، مطالعه و دقت، و مشورت با کارشناسان خبره در مرحله تصمیم‌سازی، به معرفتی درست برسد و اقدامات ذیل را لحاظ کند:

۱. «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶).

۲. «کار اصلی این است که کار اصلی را کار اصلی نگه داریم» (استیون کاوی، ۱۳۹۰: ۶۹).

## ۱. آینده‌نگری

از جمله سفارش‌های معصومین علیهم‌السلام آینده‌نگری و تدبیر قبل از اقدام است<sup>۱</sup> تا با دقت و شناسایی اطراف، جوانب و نتیجه کار، دست به کار شود، به‌ویژه با توجه به ضریب اثرگذاری، و در نتیجه، حساسیت و اهمیت برخی از این تصمیم‌گیری‌ها؛ لازم است آینده‌نگری در چند جنبه باشد:

### الف) آینده‌نگری در انتخاب نوع رشته تحصیلی

ائمه معصوم علیهم‌السلام به دلیل دامنه وسیع علم، همواره توصیه داشتند که به ویژگی علم مورد انتخاب در داشتن مصلحت و منفعت و دوری آن از مفسده توجه شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۶) و با فراگیری نیکوترین علم از هر علمی (همان: ۹۸) مانند زنبور عمل شود تا با بهره‌گیری از بهترین و زیباترین‌ها، مفیدتر بود (همان). بر همین پایه، با وجود تنوع رشته‌ها و تنوع نیازهای روز به علوم مختلف، و محدودیت‌های موجود از سوی دیگر، لازم است مادر، با بررسی واقع‌نگرانه، در انتخاب بهترین، کارآمدترین، لازم‌ترین و مناسب‌ترین دانش با توجه به اقتضائات و شرایط موجود، منابع و محدودیت‌ها، شاخصه‌ها، قوانین و خطوط قرمز، سازگاری با طبیعت، سرشت و سبک زندگی، دست به کار شود. در این آینده‌نگری سعی بر آن است که با درک درست و بجای مسأله، در کنار توجه به الگوهای مطلوب کارآمد و مصون از خطا، بتوان به برآورد درستی در ارائه و ارزیابی راه‌حل‌ها و در نتیجه، اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی، و طرح و نظارت و کنترل بهتر امور رسید و با بازدهی بهتر، موفق‌تر عمل کرد.

۱. «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ خَيْرًا أَوْ رُشْدًا اتَّبَعْتَهُ وَإِنْ يَكُ شَرًّا أَوْ غِيًّا تَرَكْتَهُ؛ هرگاه آهنگ کاری کردی، در سرانجام آن بیندیش؛ اگر درست و خیر بود، انجام بده؛ و اگر شر شد و بدی بود، آن را ترک کن!» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۱۱)؛ «... وَ قِفْ عِنْدَ كُلِّ أَمْرٍ حَتَّى تَعْرِفَ مَدْخَلَهُ مِنْ مَخْرَجِهِ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِيهِ فَتُنْذَمَ؛ پیش از پرداختن به هر کار، اندکی درباره آن درنگ کن، تا قبل از این‌که به آن در افتی و پشیمان شوی، از راه ورود و خروج آن آگاه باشی» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۶/۱۱)

باید با تعریف درست وضع مطلوب، شناسایی و دسته‌بندی امور و اهداف به حقیقی<sup>۱</sup> و مجازی<sup>۲</sup>، نهایی یا میانی آلی<sup>۳</sup> و باقی و فانی<sup>۴</sup>، به این سؤالات به نحو مطلوب پاسخ داد که آیا هدف مورد نظر، هدف اصلی و نهایی است یا وهمی؟ مقدمی است یا میانی؟ نتایج حاصل در چه درجه‌ای از اهمیت هستند؟ نتایج، حتمی، محتمل یا ممتنع‌الحصول هستند؟ نتایج، هر یک، از نظر مدت و بقا چگونه هستند؟ آیا انجام یا ترک آن، خطر یا عواقبی در پی دارد یا خیر؟ در صورت وجود عواقب، این عواقب در چه درجه‌ای از اهمیت هستند؟ قابل اغماضند؛ ارزش ریسک دارند؟

مادر در این قدم، باید توجه داشته باشد که آیا مسیر منتخب، مناسب روحیه و موقعیت او هست یا خیر؟ در بهبود مسائل خانواده چه تأثیری دارد؟ آیا آموخته‌های این علم در ارتقای سطح خانواده اثرگذار است؟ امکان بهره‌وری و درآمدزایی در آن وجود دارد؟ آیا مطابق نیاز جامعه است؟ آیا محل تحصیل این علم، نزدیک محل زندگی است؟ امکانات موجود در مدت زمان تحصیل کدامند تا از آن، در بهبود کیفی رسالت مادری و تحصیل بهره برد؟ آیا با توجه به استعدادها، موقعیت و توانایی، می‌توان از عهده این رشته برآمد؟ آیا می‌توان به نحوی تحصیل کرد که اولویت‌های زندگی به مخاطره نیفتند؟

### ب) آینده‌نگری در انتخاب زمان مناسب

گاه شرایط خانواده به نحوی است که دیگر اعضای خانواده، به طور موقت، از نظر روحی یا مالی و...، قادر به همراهی و کمک مادر نیستند یا مادر با وجود نوزاد شیرخوار و با توجه به وضعیت حساس جسمی و روحی در ایام شیردهی از سوئی و نیاز شدید نوزاد به مادر از سوی دیگر، لازم است که او، تحصیلات کلاسیک خود را برای مدتی به تأخیر اندازد تا هم خود حال بهتری به دست آورد و هم نوزادش به اصطلاح از آب و گل درآید و در این فرصت نیز به فراهم‌سازی تمهیدات لازم برای تحصیل در آینده پردازد.

۱. اصلی و اعتباری.

۲. وهمی.

۳. ابزاری (برای اطلاع بیشتر ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

۴. پایدار و ناپایدار.

## ۲. رعایت نظم

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت‌نامه خویش به حسین علیه السلام پس از تقوا به مسأله مهم نظم سفارش فرموده‌اند: «أَوْصِيكُمْ بِأَهْلِيكُمْ وَجَمِيعِ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شما و همه فرزندان و خاندانم و هر که وصیتم به او می‌رسد را به تقوای الهی، و نظم در زندگی توصیه می‌کنم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) که البته مادر با رعایت آن، به عنوان الگوی عملی فرزندان و در نتیجه، رعایت نظم فرزندان، از پیامدهای بی‌نظمی در امان خواهد ماند و با استفاده بهینه زمان، از هدر رفتن آن در امان می‌ماند؛ همچنان‌که با عادت و سازگاری فرزندان و سایر اعضای خانواده با برنامه مادر، گامی مؤثر در حفظ آرامش خانواده برداشته می‌شود.

## ۳. مدیریت زمان و برنامه‌ریزی

از گام‌های مؤثر برای رفع تراحم و تقلیل آن، استفاده هوشمندانه از زمان و فرصت‌ها و به‌کارگیری روش‌های مناسب برای جلوگیری از اتلاف وقت با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح است؛ مادر با مدیریت زمان و امکانات، از ایجاد تراحم و حساسیت‌ها، جلوگیری و با سرعت و دقت بیشتر و موفق‌تر، عمل می‌کند. از جمله اقدامات مهم مادر، مطالعه جدی برای مدیریت بهتر زمان است که البته کتب بسیاری در این زمینه تدوین شده است و می‌توانند راهگشا باشند (کارول اسمیلی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۹)؛ البته رعایت اصول و راهکارهایی در این بخش لازم است تا با دستیابی به تسلط بیشتر بر زمان، با مدیریت دقیق عمل کرد:

- حفظ نظم مستمر و پایدار؛

- انتخاب برنامه انعطاف‌پذیر، برای رویارویی مناسب با شرایط پیش‌بینی نشده (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)؛

- درجه‌بندی و اولویت‌سنجی؛

- بهره‌گیری از فرصت‌ها، امکانات و تکنولوژی روز؛

- استفاده از همراهی و تعاون فرزندان،<sup>۱</sup> همراهی و پشت‌گرمی همسر و بزرگ‌ترها؛

- پرهیز از مسئولیت‌های جانبی، حواشی و زواید؛

۱. چراکه این کار علاوه بر صرفه‌جویی در زمان و کاهش بار مسئولیت مادر، در توانمندی، رشد شخصیت و اعتماد به نفس، و مسئولیت‌پذیری فرزندان، مفید است و بهترین بهره‌گیری از فرصت در کنار هم بودن است.

- پرهیز از عوامل اتلاف وقت؛

- ارتقای کیفیت برای جبران کمیت ازدست‌رفته مدتی که مادر دور از فرزند است؛

- استفاده از ساعاتی مثل ساعات حضور فرزند در مدرسه، که فرزند به طور طبیعی در منزل نیست.

### نتیجه‌گیری

اسلام با فراهم‌سازی بستر حضور هدف‌مند در جامعه با مبنای عقلانیت دین‌محور، توجه ویژه‌ای به زن دارد و کمال او نیز عبارت است از شکوفایی و فعلیت بُعد انسانی در جهت قرب الهی که با دو وظیفه اصیل مادری و کسب علم، برای انجام رسالت فردی و اجتماعی، و طی طریق قرب الهی، شدنی است و کاهلی در این مسیر به معنای بازماندن از کمال‌نهایی است. غفلت از این دو رسالت ارزشمند، می‌تواند آثار زیانباری بر فرد، خانواده و جامعه وارد سازد که البته این دو، نیازمند صرف وقت و توجه کافی است و منجر به تراحم می‌شود.

تراحم بین مادری و کسب علم نه تعارضی ذاتی، بلکه انجام رسالت مادری به نحو اتم نیز نیازمند کسب علم است و هر دو لازمه تکامل، رشد و تعالی زن است و تراحم بین این دو رسالت، قابل حل است. بخش عمده تراحم رسالت مادری و کسب علم، به دلیل عدم آگاهی از موقعیت، عدم توانایی در اولویت‌بندی، ارزش‌گذاری وظایف و مسئولیت‌ها، غفلت از توانایی‌ها، استعدادها، تعارض‌ها و عدم آشنایی با اصول و مبانی حل تعارض است که با ارتقای سطح اطلاعات و مشاوره با کارشناسان، مشکل و تعارض‌های احتمالی حل‌شدنی است. اولین قدم و راهکار «مبنایی، مقدماتی و پیشگیرانه» در رفع تراحم، رفع عملی تراحم با مشخص شدن جهان‌بینی فرد است؛ چنان‌که با نگاه مادی‌گرا نیز گزینش یک طرف تراحم، به طور قطع با نوع بینش، متناسب است. بعد از آن می‌توان از یک پروسه علمی در رفع تراحم سخن گفت. طبیعی است که مناسب‌ترین زمان کسب علم در ابعاد مختلف با اولویت‌های مهم و مهم، قبل از نیل به مقام مادری و از زمان کودکی دختر است که یک خانواده متعهد برای تربیت مادری عالم و متعهد در آینده، باید به آن توجه داشته باشد.

قدم دوم، رفع عملی تراحم و منوط به بررسی اصولی و واقع‌نگرانه، با لحاظ راهکارهایی چون آینده‌نگری در انتخاب (از جمله در نوع رشته تحصیلی و زمان مناسب)، رعایت نظم، مدیریت (در زمان و امکانات) و اولویت‌بندی در امور مهم و مهم در جهت کمال حقیقی



است که ره آورد آن، رفع تزاحم، تصمیم قاطع و به دور از تشویش خواهد بود. نکته قابل توجه پیش از هر چیز، عدم خلط بین تمایلات درونی و رسالت‌ها است؛ چراکه آنچه امروزه به طور معمول به عنوان تعارض مطرح است، تعارض احساسات و تمایلات با تکالیفی چون رسالت مادری است و چه بسا ریشه تزاحم در نقصان نگاه و باور فرد باشد؛ بدین بیان که به ظاهر معتقد به آخرت، ولی در عمل، دنیاطلب و هواخواه باشد که حل آن به قدم اول برمی‌گردد.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۴۱۵)، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴)، گردآوری: سید رضی، نسخه صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم.
۳. ابن ابی فراس، ورام (۱۴۱۰)، مجموعه ورام، مکتبه فقیه، قم.
۴. ابن اثیر، عزالدین بن ابی کرم (۱۲۸۵)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، جمعیه المعارف المصریه، مصر.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۳۸۲)، تحف العقول، ترجمه: جنتی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، عدة الداعی و نجاح الساعی، دار الکتب الإسلامی، قم.
۷. استیون کاوی؛ راجر میل و ربکا میل (۱۳۹۰)، اولویت دادن به اولویت‌ها، ترجمه: افشین ابراهیمی، انتشارات نسل نواندیش، تهران.
۸. اسمیلی، کارول؛ و ایلین فارسلند (۱۳۸۴)، راهنمای مادران شاغل، ترجمه: فریبا مقدم، انتشارات صابرین، تهران.
۹. بخشی، علی اکبر؛ و ولی الله نقی پورفر (۱۳۹۴)، «تبیین مبانی و مؤلفه‌های شناختی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۱۰، ص ۲۵-۴۸.
۱۰. بی‌ریا، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۴)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (۲)، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، انتشارات دنیای دانش، تهران.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الإسلامی، قم.
۱۳. جدیری، جعفر (۱۳۹۳)، هیجان و رضامندی زناشویی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، سروش هدایت ۲، انتشارات اسراء، قم.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، انتشارات اسراء، قم.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، انتشارات اسراء، قم.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن، انتشارات اسراء، قم.

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، انتشارات اسراء، قم.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *مفاتیح الحیاة*، انتشارات اسراء، قم.
۲۰. حاجی اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۳)، *مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تحقیقات زنان.
۲۱. حکمت آرا، کاظم (۱۳۸۰)، «مسائل و مشکلات زنان: ریشه‌ها و راه‌حل‌ها»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران، صص ۷۴۶-۷۱۷.
۲۲. دمارنف، دافنه (۱۳۸۸)، *غرینه مادری در مورد فرزندان عشق و زندگی معنوی*، ترجمه: آزاده وجدانی، عشق و زندگی معنوی، نشر معارف، قم.
۲۳. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲)، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، انتشارات شریف رضی، قم.
۲۴. سراقی، همایون؛ و همکاران (۱۳۹۴)، «مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های مادری بر اساس متون دینی»، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۳-۳۴.
۲۵. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۶)، *دانشنامه اخلاق کاربردی*، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۶. شمس‌پاشا، حسان (۱۳۹۱)، *تربیت فرزند؛ راهکارها و چالش‌ها*، ترجمه: ابراهیم زاهدی‌فرد فاروقی، انتشارات احسان، تهران.
۲۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶)، *الامالی*، انتشارات کتابچی، تهران.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، *مکارم الأخلاق*، انتشارات شریف رضی، قم.
۳۰. عروسی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۳۱. علاسوند، فریبا (۱۳۸۰)، «ضرورت نگاه نظام‌مند به الگوی شخصیت زن مسلمان چالش‌ها و بایسته‌ها»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، صص ۸۸-۴۵.
۳۲. علی، جواد (۱۹۷۰م)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، دار الملائین، بیروت.
۳۳. فریدمن، جین (۱۳۸۱)، *فمینیسم*، ترجمه: فیروزه مهاجر، نشر آشیان، تهران.
۳۴. کریستن سن، برایس (۱۳۸۷)، *تأثیر فمینیسم بر فروپاشی حکومت‌ها*، ترجمه: آزاده وجدانی، انتشارات معارف، تهران.

۳۵. کالر، جف (۱۳۹۰)، *نگرش همه چیز است*، ترجمه: احسان کاظم و کتابیون دانشمند، انتشارات نسل نواندیش، تهران.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۳۷. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، *کنز الفوائد*، دار الذخائر، قم.
۳۸. گازرپور، فرشته؛ و فرید نجفی (۱۳۸۰)، «نقش زن در سلامت تغذیه خانوار»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ص ۸۲۱-۸۳۸.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، انتشارات دار الحدیث، قم.
۴۱. مک‌گراو، فیلیپ (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی خانواده موفق*، ترجمه: محمدمهدی شریعت باقری، انتشارات دانژه، تهران.
۴۲. موسوی، سمیه سادات (۱۳۹۲)، «اخلاق تحصیل زنان»، مجله معرفت، شماره ۱۸۵، ص ۹۹-۱۱۴.
۴۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، انتشارات آل‌البیت، قم.